هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

سال سوم، شماره ۲۶، سه‌شنبه اول مهر ۱۳۵۷

نمایش دژخیمان، بر روی ویرانه‌های خونین طبس

فاجعهٔ زلزلهٔ خراسان ـ که آمارِ قربانیان آن تاکنون تا ۲۶ هزار نفر تخمین زده شده است ـ یکبار دیگر اوج بی‌لیاقتی، گندیدگی و ناوه گویی و واپسی‌های بی‌حاصل رژیم ضد خلقی شاه را به طور آشکاری در برابر مردم نهاد. در حالی که رژیم با همه امکانات تبلیغاتی‌اش، گوش‌ها را از شرح کمک‌های حاتم‌طایی شاه و شهبانو و سازمان‌های دولتی و ارتشی به آسیب‌دیدگان کر کرده است، واقعیت‌ها حاکی از غفلت و سستی جنایتکارانه‌ی مقامات دولتی، وضع و مسئولان حکومتی در رساندن یاری‌های لازم به مناطق فاجعه‌زده و بی‌تفاوتی وضع زیرآواربارماندگان و مصیبت‌دیدگان است. مطبوعی نماینده کرمان در مجلس شورا ساخته، سه روز پس از وقوع حادثه، در مصاحبه‌ای که روی ویرانه‌های هم‌نگر طبس با نماینده رادیو ـ تلویزیون کرد ـ و به خاطر بخش مستقیم برنامه به طور غافلگیر انه‌ای از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد ـ با حسرت و ناباوری اظهار داشت: "من اینجا هیچ نشانی از کمک ارتش و دستگاه‌های دولتی نمی‌بینم". هرکمکی که شده، توسط خود مردم انجام شده و بس. شود. پس آن همه ادعاهای دیرپاره صرف و گستردگی کمک‌ها شده، کماست؟" مطبوعی در مصاحبه اعتراف‌گرانه‌اش که روی همه تبلیغات نظام گسیخته و بی‌سنجش رژیم خط بطلان کشید، مسئولان حکومتی را به خاطر اهمال و کندی و لاف پشتیبانی امدادات کمک‌رسانی خود ملامت قرار داد. اما چهار روز پس از وقوع زلزله، رادیو دولتی ـ در گفتار ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه ـ گوشه نگاه به منده دیگری از غفلت و بی‌مسئولیتی رژیم دروغ و کژنا را فاش کرد. رادیو دولتی اعلام کرد: ۴ روز پس از حادثه، هنوز مردم با احساس نیمه جان را از زیر ویرانه‌ها بیرون می‌کشند. در حالی که اکثر احساد هنوز زیر خروارها خاک و خاشاک است. آیا این اعتراف به روشنی مؤید آن نیست که اعزام هزاران نیروی ارتشی و اکیپ‌های کمک به مناطق ویران شده بیش از آن که واقعیت داشته باشد، تبلیغات دروغانی و حرف و حرف و حرف است؟

خبر بیرون کشیدن تصادفی جسد نیمه جان شهناز دختر ۶ ساله از زیر خاک‌ها و ویرانه‌های زلزله پس از ۸۰ ساعت که با مرگ دست و پنجه نرم کرده بود، خود اثبات گر این واقعیت است که دهها و صدها نظیر شهناز به علت غفلت و عدم احساس مسئولیت عوامل و مسئولان رژیم و بوروکراتیک جاری جنمال و تبلیغات گرگنده به جای عمل‌گردن، یاری رساندن و نقش واقعی و صمیمانه در جهت نجات آنها که هنوز امکان حیات شان وجود داشت، زنده به گور شدند. در حالی که می‌توانستند زنده بمانند. این همان واقعیتی است که در روز بازید مختار هراند و جمشید دیقله‌ای شهبانو، تمایش با نوی نظاید از سکو کار و رد صدای رعد بده پیر مردی که با فریاد رعشه انگیزش او را مخاطب قرار داد، طنین انداخت. پیرمرد از درون ویرانه‌ها خطاب به اکیپ معطل همسرشاه که برای عکاسی خود در عریضه و زمینه سازی تبلیغات دولتی، به طبس رفته بود، نعره زد:

"به جای ایستادن و حرف زدن بیائید عزیزان ما را از زیر خاک‌ها و سنگ‌ها بیرون بکشید. کاری بکنید..."

اگر یاد صدم آن نوجوانی را که شاه در دو هفته گذشته برای گلوله باران کردن و کشتار مردم و بی‌دفاع در کوچه‌ها و خیابان‌های تهران بسیج کرد، به مناطق فاجعه‌زده خراسان می‌فرستاد، صدها مجروح آن فاجعه زلزله نمی‌ماندند. فاجعه‌ای که در روز بازید

اعتصاب ۲۲۰۰ کارگر پارس الکتریک

بیش از ۲۲۰۰ کارگر کارخانه پارس الکتریک با اعلام این که خواهان افزایش دستمزد، حل مسئله پرداخت سود ویژه قانونی و برکناری نماینده انحصاری سازمان کارگران هستند دست از کار کشیده اند. این اعتصاب حتی طلبانه از پنجشنبه ۲۳ شهریور ماه، در شرایطی که رژیم خونریز شاه - ساواک با گلوله باران وکشتار وحشیانه مردم آزاد بخواه و استقرار ترور و وحشت در شهرها قصد سرکوب نهضت انقلابی اوج گیرنده خلق های ایران را دارد شکل گرفته است. کارگران پارس الکتریک مانند میلیون ها کارگر ایرانی به عنوان زحمتکش ترین و انقلابی ترین طبقه ایران از درون کارخانه ها و دیگر سنگرهای تولید پنجه در پنجه رژیم جپاول وغارت و استثمار و استبداد انداخته اند.

نخستین گزارش ها از درون کارخانه پارس الکتریک حکایت از روشن کارگران زن این کارخانه دارد و هم اعتصاب به برادران رزمنده خود دارد.

همین گزارش ها نشان می دهد که حداقل وجه الکتریک در این کارخانه بین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان است و کارگران که اکثر آنها اجاره نشین هستند در پرآغاز ترین مناطق خارج محدوده اتاقی را به قیمت یک تا دو سوم دستمزدشان اجاره کرده اند و در دشوارترین شرایط در زیرزمین ها و قرقی زندگی پر مشقتی را می گذرانند. در این کارخانه نیز مانند کارخانه های دیگر بابی شرمی هرچه تمام تر زن را با مرد برابر نمی دانند و به همین بهانه حداکثر مزدی که به کارگران زن تعلق می گیرد از هزار تومان بیشتر نیست و این درحالی است که اکثر زنان کارگر این درسکتور را می گویند.

کارگران اعلام داشته اند که هرچه زود تر باید اجازه داده شود نماینده واقعی خود را انتخاب کنند. کارگران همچنین خواهان افزایش دستمزد با توجه به افزایش روزافزون نرخ مایحتاج زندگی به کمی سود ویژه پرداختی نیز معترض هستند. به کارگران این کارخانه سالی در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان به عنوان طی الحساب سود ویژه شش ماهه پرداخت شده است. این مبلغ در کل ششم نگرانند است اما هرگز کارفرما به موقع با کارگران تسویه حساب نکرده است. کارگران اکنون خواهان پرداخت کامل سود ویژه و افزایش میزان آن هستند.

میزان حق مسکن که کارگران به مبلغ آن اعتراض دارند، اکنون در ماه فقط ۱۵۰ تومان است که با آن در هیچ نقطه تهران نمی توان حتی یک اتاق اجاره کرد.

کارگران اعتصابی هرصبح در کارخانه حاضر می شوند اما برای آن که بهانه ای به دست کارفرما نداده باشند تا از مقررات فاشیستی حکومت نظامی برای سرکوب آنها استفاده کند، از اجتماع در محوطه کارخانه خود داری می کنند و تنها از کارکردن سرباز زدند.

پارس الکتریک یکی از دهها موسسه تولیدی حاصل برخورد دو بزرگ سرمایه در موضوع ایران است که اخیرا خریده شده سهام شرکت امریکایی جنرال الکتریک که یکی از مطمع ترین تراست های بین المللی است به قیمت جپاول و استثمار نیروی کارهزاران کارگر ایرانی، ناشی در کشاورزی سرمایه در ایران و تراست های جهان ثبت شده است.

آخرین گزارش های رسیده نشان می دهد که مسئولان کارخانه در برابر صفوف متحد کارگران اعتصابی مجبور به مذاکره با کارگران برای پذیرش خواست های آنها شده اند.

اعدام ۲۶ سرباز میهن پرست

رژیم سفاک وخونریز شاه - ساواک تصفیه خونینی را در ارتش آغاز کرده است. درسمت در روزهای که موج اعتراض ارتشی ها و پیوند های ارتشیان با خلق به پاخاسته ایران به سربازیانست و اخبار پیوستن به فرار سربازان ازپادگان ها و پیوستن آنها به مردم، شورش درون پادگان ها و بازگشتن سربازان از مرخصی و خودداری جوانان از معرفی خود به مراکز سربازگیری دهان به دهان در شهر ورستاق می گردد، خبر می رسد که دستور رضاه ۲۶ سرباز و درجه دار میهن پرست بشریف ارتش به اتهام شورش در سربازخانه ها به جوخه اعدام سپرده شده اند.

اجساد این شهیدان راه آزادی ایران به بهشت زهرا منتقل شد، تا در کنار برادران و خواهران مبارز وشهید خود به خاک سپرده شوند.

این اعدام وحشیانه و تصفیه های خونین خود بزرگترین نشانه ترس رژیم شاه - ساواک از پیوند ارتش با مردم است که زمینه روزشمارش تنگتر می شود. مردم با کشاورزان ارتشیان در روزهای پرشور خروش خواهان راه و راه پیمایی تاریخی قبل از کودتای خونین ۱۲ شهریور، از برادران ارتشی خود خواستند تا پیوند خود را با خلق خویش تحکیم کنند و جای خود را در کنار برادران و خواهران مبارز و آزاد بخواه خویش بیابند. در جریان

کودتای شاه، دورنمایی ندارد

خویش، اصلاحات سطحی و کنترل شده ای را با اظهار ارزوهای و هوی بسیاری خود جامعهٔ به خروش وعصیان در آمده، بدهد. شاه با این برنامه تمایلی می خواهد به زعم خویش با دادن پاره ای امتیازات جزئی و فرعی، مواضع اصلی و اهرم های کلیدی خود را حفظ کند. شاید اگر این مانوری در شرایط عادی اجتماعی پیاده می شد، تا حدی به منظور میرسید. اما در وضع انقلابی کنونی میهن ما این عقیدت زدن بر آب پاشیدن و تن کشیدن به جنگ فردان وحشیانه رفتن است.

مردم به چیزی کمتر از سرنگونی رژیم مستبد شاه یک انقلاب همه جانبهٔ دموکراتیک وملی رضایتی ندهند. این حرف آخر جنبش گسترده میهن ماست، خواست قاطعی است که در شعارهای بی شمار روزهای تظاهرات طغیان و ولوله انداخته با چون هزاران شهید تاکید شده، وباید در هر محفل و مجلس، در کلت وکوی کوچه بازار، در هرکارخانه و اداره وحجره و اتوبوس و تاکسی وبیمانی واجتماع وصحبت سیاسی تکرار وتشریح می گردد. زنده ها باهر وند اگاری همسایه ای که خاطر آن را در هفتهای ماهها اخیر به صورت حماسه های جاودان رزم و اعتبار دیدیم، برای تحقق این خواست و ایمان، آمادگی هرگونه جانبازی و خطرگردن و به استقبال حادثه ومرگ وخون رفتن را نشان می دهند.

احتمالات عینی گسترده ای که به دنبال کودتا شاه بسیاری از شهر های کشور به ویژه شهرهای زیرحکومت نظامی را فراگرفته بیشتر بازارها و مغازه ها، اعتصابات کارگری در ده ها کارخانه وتاسیسات صنعتی و تولیدی بزرگ خصوصی و دولتی (شهر صنعتگر خانه های اعتصاب کننده درشماره گذشته "نوید" به چاپ رسید) اعتصابات ده ها هزار کارمند در سراسر کشور و پیش از آن تظاهرات و راه پیمایی میلیونی مردم، تشکل فوج های طعم معترضین در هجوم سرسرنه و در محاصره ارتش پلیس وژاندارمری، باران نارنجک های اشک آور به روی گروه درجه آبادگی مردم بسیاری مبارزه فعال رژیم ایران بیاد ده شاه و شرکاست. مردم عادی در کوچه و خیابان بی پرده وشجاعانه می گویند: "اگر جواب اعتراض و مطالبات حقه ما را با زور وخشونت بدهند، ماهم آماده ایم با همین زبان به آنها جواب دهیم." واین اوج تازه ای از خروش و آمادگی خلق برای مجاهدت ها و جانفشانی ها در بیشتر پیش هرگونه شیوهٔ موثر و مناسب مبارزه انقلابی است. چنین مردمی را دیگر با وعده های سرخرمن، با آزادی های تکی وبزک کردهٔ شاهانه، با برامی درباره اصلاحات وانتخابات آزاد و مجازشدن صوری فعالیت های سیاسی که به مثابه دادن آب نبات چوبی به دست کودکان بازیگوش به قصد آرام کردن آنهاست، نمی شود فریب داد. توده های میلیونی پی برده اند که هراملاح جدی و مهم قیمه آزادی واقعی، هرپیوند جزیی و باصطلاح، مجازبطریق تایید کردن سرچشمه و علت العلل همه بدبختی ها، همه آزادی کشی ها، همه فیه کاری ها وچپاول ها و زیرگیری ها و میهن فروشی ها، یعنی رژیم شاه، حرف مفتی بیش نیست. مقاومت وتجاهل در راه بر آورده شدن این تقاضا و آرزوی فروری وملی، تنها به پهناورترکردن دریای خونی که در میهن ما به راه افتاده، به افزایش درد ها و مشقات و ویرانی ها و زخم های پیکر میهن وردم می انجامد، بی آن که بتواند شاه و هویسک ها و ارسباینش را از سرنوشت مستبدی که در انتظار آنهاست، به فرمان وارادهٔ توده ها بر فرق آنها کوبیده می شود، برهاند.

مردم در مبارزه ماه های پرتلاطم اخیر به اندازه ده ها سال آزاد و عادی، تجربه های ملموس وشخصی کسب کرده اند. آنها به حال متناسبا کرده اند که آن آزادی و امتیازات سیاسی واجتماعی که شاه مدعی است به حق و اعتبارخود، به صورت صدقه به آنها می بخشد، تا چه اندازه شکننده و غیر قابل اطمینان است. آنها با وضوح دیدند که رژیمی که با کوس و کرنا از آزادی احزاب سیاسی دم میزد، حتی که احساس خطر نمود یکسره همه احزاب وسازمان های صنفی و سیاسی مخالف را، مانند سالهای قبل، تعطیل کرد و رهبران وفعالین آن را بازداشت یا مجبور به اختفا نمود. و برعکس همین تجربه عینی است که مردم می بینند چه تضمینی وجود دارد که در آینده نیز این تجربه بارها آزموده شده، تکرارنشود و رژیم دیدمنش شاه - ساواک که پای بند هیچ اصول و تعهدی نیست و نمی تواند باشد، برای پس گرفتن همه آنچه که در عقب نشینی های جزیی وصغیر خود در برابر مبارزات مردم از دست داده، پیش نیاید؟".

این درس است که به ویژه طبقه کارگرایران که مرحله نوین مبارزات جانانه صنفی وسیاسی آن آغازشده، با گوشت وپوست خود احساس می کند و از آن می آموزد، گرچه او توشه گرانباری از این گونه تجربیات انقلابی را در مبارزات گذشته در فراز و فرود نبرد های صنفی و سیاسی سالهای پیش از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد داشته وهست بود. طبقه کارگرایران که در آن سالها جوان تر و به مناسبت عقب ماندگی مناسبات تولیدی جامعه، میدان آن محدود تر بود، اینک درسطح کمی و کیفی حالی تر، علاوه بر بهره گیری از اندوخته های گذشته خویش، به دید تجربه ها و آموزش های عینی که به شخصه کسب می کند، به این اصل اساسی جهان بینی علمی و احزاب واقعی مارکسیستی پی می برد که آزادی و سرنگونی صدقه نیست، حقی است که با همه جان و خون باید مطالبه شود. و تنها سازمان ها و احزابی می توانند این رسالت و تعهد را به پایان برسانند که فعالیت علنی را با مبارزه غیر علنی و زیر زمینی، بیامیزند و در ای آن چنان تشکیلات سیاسی منضبط و رزمنده ای باشند که از سنتی و پیش وقت پیش پلیس مصون باشد و با علانیت وامتناع از انطباق شیوه های پیکار خود با شرایط واوضاع واحوال موجود از هرحمله ناغافلگیرانه رژیم، نهراسند تر و با تجربه تر سر بیرون آورند. طبقه کارگرایران وهمه نیروهای صف دموکرات و مبارز که در همه های اخیر در جلوی چشم های خود دیدند که چگونه جزیی آزادی های سیاسی به چنگ آمده باشد شامله برای همه جانبه مبارزات صنفی آنها و زمینه مساعد برای پیروزی اعتصابات مطالباتی شده بود، اینک درسی درس عملی خود را از ارتجاع سلطنتی ایران فرامی گیرند. تجربه شخصی آنها گواه آنست که مبارزات صنفی و سندیکایی تا چه حد به شرایط سیاسی و مبارزه در راه آزادی های سیاسی مرتبط است ونیز هرمبارزجدی پی گیرسیاسی ضرورتا باید از همه اشکال علنی، نیمه علنی و زیرزمینی بهره بگیرد - یعنی تلفیقی با عدا از اشکال متنوع - فعالیت قانونی با مبارزات غیر قانونی. اگر در نظر بگیریم که مبارزات انقلابی میهن ما به آغاز خویش نزدیک تراست تا غروب جاه کار، معتقد خواهیم شد این تجربه ها و مرحله های صحت و استحکام آنها بارها در مبارزات ملی و آزادیخواهانه میهن ما و در طول انقلاب ملی و مبارز جهان به ثبوت رسیده، تا چه اندازه برای پیشبرد هدف ها و آرمان های جامعه می تواند شرط بندی و موثر باشد.

کارگران ارج

شیفت شب را تعطیل کردند

کارگران کارخانه ارج با یک اعتصاب یکپارچه به کارشبانه در زیرسایه سرنیزه حکومت نظامی اعتراض کردند. این اعتصاب به دلیل اتحاد کارگران با پیروزی خانه یافته است. گروهی از کارگران این کارخانه اطلاعات زیر را درباره اعتصاب اخیرشان برای چاپ به "نوید" رسانده اند:

کارگران کارخانه ارج چون به کارد رشیفت شب معترض بودند و انجام کارد رشب با توجه به مقررات غیر انسانی حکومت نظامی برای رفت و آمد در شهر دشوار وغیر ممکن احساس کرده بودند دست از کار کشیدند. بعد بدنبال اعلام این اعتصاب مقامات کارخانه که خود نیز بوی سرنیزه هارا در خیابان های شهر به چشم دیده بودند و می دانستند ادامه کار در شیفت شب سبب به کشتار جمعی از کارگران هنگام عبور از شهر خواهد شد، با خواست کارگران معترض موافقت کردند و کارفرما مجبور به تعطیل شیفت شب شد. باعلام این تصمیم کارگران با پیروزی به سر کارشان بازگشتند.

درحال حاضر در کارخانه ارج دوشیفت کار از ساعت ۷/۲۰ صبح تا ۱۳/۳۰ و از ۱۳/۳۰ تا ۲۰ انجام می شود.

گزارشگران نوید ازبسیاری از کارخانه های دیگر نیز گزارش میدهند که درحال حاضر ادامه کارد رشب با به مقررات فاشیستی حکومت نظامی باتوجه به برقراری حکومت نظامی ودرسایه لولههای خنگ سربازان حامد ارا شاه بسیار دشوار وحتا توام با خطرمرگ است. به همین دلیل دربسیاری از کارخانه ها کارگران به ادامه کارد رشب معترض هستند ودربرخی کارخانه ها مسئله تعطیل شیفت شب تحت بررسی است. کارگران می گویند در صورت تعطیل شیفت شب هیچ لطمه مالی نباید متوجه آنها بشود. حقوق ومزایای کارگران شب کار مانند گذشته باید پرداخت شود زیرا تعطیل کارشبانه توسط رژیم با برقراری حکومت نظامی به کارخانه ها وکارگران تحمیل شده است.

-۷۴۷-

نمایش دژخیمان...

اکبر علم دولت با تلگراف شده و هزاران قربانی، هزاران جسد نقاسد شده، روی دست صد ها مصیبت دیده، تنها و مجروح وگرسنه و مات و مبهوت مانده است.

به دنبال فاجعه طبع زلزله خراسان مردم سراسر کشور باشتاب وشور بشر دوستانه با مشکوهی به یاری خواهران و برادران بلادیدهٔ خود رفتند. این حماسهٔ دیگری از پیوند صمیمیاری خلق بود. اما در عین حال سند حکومت رژیم غیر قابل اعتماد شاه بود لطف های خاص را نیز در بر داشت. مردم با این حرکت بزرگ و عبرت انگیز خود، با تحمل رنج سفر دو روز در اینجا منطقی که نه جاده درست وحسابی دارد و نه وسایل ضروری زندگی و آب ونان وحتی استراحت وغیره، نشان دادند که هیچ اطمینانی بعد بود دستگاه های بر سر وصدا، بی شرم حکومت ندارند وبی دانند که تنها خود شان باید به یاری خود شان بشتابند. مردمی هم که نتوانستند شخصا به محل فاجعه بروند، کمک های غذایی و دارویی ونقد و جنسی خود را توسط اکیپ هاو افراد غیر دولتی به محل فرستادند، زیرا هیچ اطمینان و وثیقه ای نبود که این کمک ها توسط مسئولان وسازمان های دولتی به آسیب دیدگان خواهد رسید.

حربه ارامن جلوه جاهرگ زنده و پرشکستگی نهایی رژیم دغلکار و مستبد طی وفاسد می است که به زیر سرنیزه و تکیه بر امپریالیسم جهانخوار با نواع دسیسه ونیرنگ وریا خود را بر مردم میهن ما تحمیل کرده است. مردم هوشیار وپیاماسه ایران که سهرسلو تا سالهای نکبت و خفت را از لایب برداشته اند حق دارند با صدای معترض و خشم آگین خود بپرسند: چرا باید ابعاد فاجعه تا این حد وحشتناک باشد؟ آیا جنایت بود اگر بخشی از آن دهها میلیارد دلاری که در راه نطا میگری ایران وخرید انواع توپ و تانک وهواپیماو موشک وستگاه های جاسوسی به نفع جهانخوار امریکایی خرج شد، صرف نوسازی خانه های خشت وگلی صد هاروستایی می شد که با اولین تکان های زلزله به گورهای جمعی ساکنان خود بدل شدند؟ مگر در سالهای گذشته فاجعه زلزله درست در همین خراسان سوگواروی نداده بود؟ اگر سازمان دولت واقعا ملی و مردم سروی کاربود با اندک این ترین پیش بینی ها واقدامات احتیاطی، ماهتدبل خانه های لانه مانند و خشتی به منازلی که طبق محاسبات علمی می توانند در برابر زلزله های مشابه تاب بیاورند، اگرهجوم مهیب زلزله را دفع نمی کرد، لااقل تلفات وخسارات آن را به یک دهم وحتی یک صدم تقلیل نمی داد؟ وقتی در کانون اصلی زلزله بخش طبس تنها ساختمانی که ازصدمه زلزله مصون مانده، ساختمان نوساز بانکی است که تیرآهن و بتون می باشد، این پرسش و ده هاپرسش مشابه دیگر در سراسر این رژیم جنایتکارویرانه شده از غارت و بی حس شده ازدرک فساد، قرار دارد، بی جواب خواهد ماند.

ودرچنین فضای آکنده ازخشم وکین علیه رژیم فاسد وضد خلق شاه بود که جلاد تاجدارخود را ناگزیر دید برای خواهرهیی و جبرجبران دردهای مردم از جنایات اخیرش در شهرهای مختلف مصری به ویرانه های خونین طبس بزند. او در لباس نظامی ودرمیان حلقه ماجران وسخاوتمندان خود پای به سرزمین ویرانی و ماتم گذاشت. اما در آنجا نیز باسیل اعتراض و پرخاش و شکایت مردم از دستگاه جابرفاسد خود روبرو شد. مردم ازپیر و جوان و زن ومرد همه فریاد زدند که: همیاری ماکاری نکرده اید. آخش هنوز اجساد عزیزان ما را اززیر آوارچوبون نیاورده اید در حالی که سگان هنوز ده ای از آنها زنده باشند! تمام تبلیغات شما در مورد کمک رساندن به ما فریب کاری بی معنی نیست و....

رژیم کوشیده است حتی از فاجعه اسف بار زلزله خراسان وبرگذار لعزا بیش از ۲۶ هزار نفر از مردم برای خود محلی برای تبلیغات مبرج وسوام فریبانه پیدا کند. اطلاع داشته است که گویا به مناسبت این فاجعه مراسم جشن های کذایی چندین روز ولی بر نوی وبزی وهزینه ۴ و ۹ آبان اجرا نخواهد شد. گویی شاه منتظر چنین "معجزه ای" بود تا هر این جشن ها را امسال از سر خود بکند تا مجبور نباشد در روز جشن یاد لهره و هراس به مردمی نزد یک شود که آرمان نفرتشان به خود خوب آگاه است.

فاجعه درد ناک وخونبار زلزله خراسان یکبار دیگر نشان داد تا وقتی این رژیم باقی است، میهن ما هم در عرصه های سیاسی واجتماعی وهم در مقابله با حوادث طبیعی، بی دفاع و آسیب پذیر شکننده است.

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

www.iran-archive.com